پیشگامان انقلاب

شهیده بتول چراغچی

تاریخ و محل تولد: ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ - مشهد
تاریخ و محل شهادت: دی ماه سال ۵۷ مشهد

خورشید نهم دی ماه ۵۷ در حالی غروب کرد که تعدادی از مردم انقلابی شهر مشهد به آسمان عروج کردند و طلوع انقلاب را ندیدند و این شنبه و یک‌شنبه خونین با شهادت هزاران نفر به پیروزی در ۲۲ بهمن ۵۷ انجامید. بانوی شهید بتول چراغچی نیز از جمله شهیدانی بود که طلوع انقلاب را ندید و چهل و دو روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به آسمان پر کشید. وی در دوران رضاشاه پهلوی خیلی سختی کشیده بود و همه جریانات کشف حجاب و آمدن روس ها را به چشم دیده بود. پدر وی که چراغچی نام داشت، آن زمان فانوس های حرم و مسجد گوهرشاد را روشن می کرد. بتول چراغچی با این که هفت فرزند داشت، اما برای خدمت به پدر و مادر چون کبوتری خسته بال که از فرط خستگی بال های خود را بر زمین می افکند، متواضع و مطیع بود. همین طور به پدر شوهر و مادر شوهر خود محبت می کرد. شهیده بتول چراغچی متولد ۱۳۰۶ در مشهد بود. او در سال ۵۷ در راهپیمایی ضد رژیم ستمشاهی در مشهد، بر اثر برخورد با تانک از ناحیه سر مجروح شد و به شهادت رسید.

قفسه
حسینیان
شهید

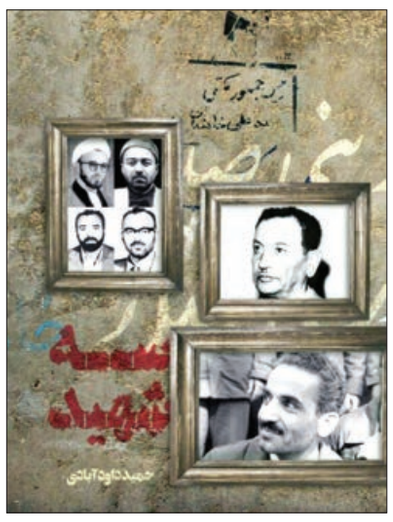

معرفی کتاب «سه شهید»، گفت و گویی صریح با خانواده ۳ شهید شاخص انقلاب

خاطرات ناب از ۳ شهید انقلاب

نویسنده: حمید داوودآبادی
ناشر: مؤسسه شهید حاج احمد کاظمی
تعداد صفحه: ۲۴۰

پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر ایجاد تحولات گسترده در ایران، موجب تغییرات اساسی در بسیاری از کشورهای جهان شد. این انقلاب مردمی عظیم، معادلات از پیش نوشته شده مستکبران را به نفع مستضعفان تغییر داد و موج بلند دریای مواجش، هیمنه جعلی استکبار جهانی را در هم شکست.
«سه شهید» خاطراتی کمتر شنیده شده از سه فرزند برومند ایران سربلند را برای ما روایت می کند. این کتاب مستند تاریخی، آن قدر دل نشین و صمیمی به رشته تحریر در آمده، که بعید به نظر می رسد مخاطب پس از خواندن زندگی نخستین شهید گران قدر از این «سه شهید» والامقام (شهید طیب حاج رضایی)، بی آن که ماجرای زندگی دوشهید عزیز دیگر (سید علی اندرزگو و محمدعلی رجایی) را تا آخرین کلمات بخواند، کتاب را بر زمین بگذارد.
بیان حقایق ناب و کمتر در دسترس تاریخی و معرّفی جامع شخصیت های ناشناخته و اثرگذار در پاورقی های موثق و پی درپی این اثر، وجه تمایز «سه شهید» از کتاب های مشابه به شمار می رود.
مصاحبه با افراد حقیقی (نزدیکان و خانواده سه شهید بزرگوار) شاخص اطمینان بخشی است که علاوه بر ارزش بخشی به صحت گفتار نویسنده، ما را با سبک زندگی آن بزرگواران از نزدیک و به دور از کلیشه های تکراری مرسوم آشنا می سازد؛ همچنین مطالعه این کتاب ما را با قدم های استوار طیب، غیّار با ایمان دهه ۴۰ - ۳۰ خیابان های تهران، دست فروشیِ مسئولانه نوجوانی بی ادعا و بزرگ (که بعدها رئیس جمهور ایران اسلامی شد) و لحظه های اضطراب انگیز تعقیب و گریز چریک قهرمان انقلابی، مأنوس و همراه می کند.
برای مطالعه این کتاب ارزشمند و آگاهی از ابعاد گوناگون زندگی سه شهیدی که هریک در برهه های مختلف، نقشی بسیار مهم و اثرگذار در به ثمر رسیدن نهال انقلاب اسلامی ایفا کرده اند، به کتابخانه های عمومی سراسر کشور مراجعه کنید.

ساعتی در جمع پیش‌کسوتان هنر انقلاب در مسجد مالک اشتر مشهد

شناسنامه ۴۰ سال هنر انقلابی

نسیم سهیلی- همچنان بعد از چهل سال خاطرات آن روزها را به خوبی به یاد دارند. همان روزهایی که شیرینی پیروزی انقلاب با شور و شوق هنری شان، در مسجد محل پیوند خورده بود. جوانان انقلابی و هنرمند می خواستند هنرشان رنگ و بوی دینی و مردمی داشته باشد. با وسایل ساده دکور ساختند و تئاتر را کشاندند به مسجد و از آن جا که از قلب مردم برخاسته بودند، هنرشان نیز بر قلب ها خوش نشست.
به گزارش «خراسان رضوی»، بسیجی های مسجد مالک اشتر که در خیابان مهتاب قدیم و خرمشهر امروزی واقع است، فعالیت های فرهنگی، هنری و ورزشی خود را بلافاصله پس از انقلاب اسلامی شروع کردند و گسترش دادند. از همین رو در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، در یک روز سه شنبه که گروه چهل ساله مالک اشتری ها گرد هم جمع شده اند تا به رسم قدیمی هر هفته دعای توسل بخوانند، مهمان جمع هنرمندانه آن ها می شویم تا با چند پیش کسوت این جمع گفت و گو کنیم و از پیشینه و شناسنامه مسجدی بگوییم و بشنویم؛ مسجدی که هنرمندان انقلابی زیادی را تحویل جامعه هنری کشور داده است.

از ساختن سن با نیمکت مدرسه تا تشکیل حوزه هنری

حمیدرضا سهیلی پیش‌کسوت تئاتر یکی از هنرمندان و فعالان این مسجد است که از همان روزهای نخستین با برادرش سعید سهیلی کارگردان نام‌آشنای این روزهای سینمای ایران، بچه‌های اهل ذوق و با استعداد را برای کمرنگ نشدن این هنر دور هم جمع کرد.
او درباره چگونگی شروع فعالیت های هنری مسجد مالک اشتر می گوید: فعالیت های مذهبی قبل از انقلاب در خانه ها انجام می شد اما بعد از پیروزی انقلاب این فعالیت ها در محله گسترش یافت و رنگ و بوی فرهنگی گرفت. مثل تئاترهای خیابانی که در عیدهای خاص اجرا می کردیم. بعد تصمیم گرفتیم آن را در مرکزی متمرکز کنیم و همان زمان نیز امام خمینی (ره) فرمان دادند که مساجد را سنگر کنید، بنابراین جایی بهتر از مسجد برای ادامه فعالیت هایمان پیدا نکردیم.
وی می افزاید: عده ای با ما مخالفت کردند اما این مخالفت ها باعث تشویق بیشتر ما شد.
سهیلی یادآور می شود: بعد از فرمان امام(ره) مبنی بر تشکیل بسیج، ما گروهی مستقل تحت عنوان بسیج اشتر راه اندازی کردیم و فعالیت هایمان را با این نام انجام می دادیم. با توجه به سابقه من در زمینه های هنری این مسئولیت به من داده شد. در ابتدا از نیمکت مدرسه سن ساختیم و برای اهالی محل نمایش اجرا کردیم.
اما این فعالیت ها تنها به اجرای نمایش خلاصه نشد؛ سهیلی در این باره می گوید: ما افراد متخصص برای آموزش را به کار گرفتیم، داوود کیانیان برای آموزش نمایش نامه نویسی، استاد شفق در زمینه شعر، علیرضا باوندیان برای آموزش قصه نویسی، علی طهماسبی برای تدریس مسائل سیاسی و ایرج امیر نظامی را برای آموزش سرود به این مسجد دعوت کردیم.
خاطرات آن قدر زیاد است و پر کشش که هر چه را انتخاب می کند، ساعت ها زمان می برد تا درباره‌اش صحبت کند. می گوید: زمان برد تا ما به مرحله‌ای رسیدیم که بالاخره نمایش نامه های نوشته شده توسط خودمان روی صحنه اجرا شد و این حرکت هنری که در مسجد ما آغاز شده بود، سر و صدای زیادی ایجاد کرد و بیشتر مساجد سعی می کردند آن را تکرار کنند اما به موفقیت ما نرسیدند.
این هنرمند در ادامه به فعالیت نسل های بعد از انقلاب در این مسجد اشاره می کند و می گوید: نسل های جوان هم فعالیت ها را ادامه دادا ما هیچ‌گاه به درخشش دهه شصت نرسید. نسل ما هنرمندان خوش نامی چون سعید سهیلی، جواد اردکانی، حسن چودن، احمد کاوری، جواد کامل و جواد علیزاده را تحویل جامعه هنری داد.
اما فعالیت ها محدود به محله و مسجد نشد و این گروه بسیجی جوان در سال های انقلاب پایگاهی بزرگ‌تر برای ادامه فعالیت هایش انتخاب کرد؛ محلی که امروز به نام حوزه هنری می شناسیم، حاصل تلاش همین مالک اشتری هاست. سهیلی درباره تشکیل حوزه هنری می گوید: در سال ۶۴ هسته اولیه این سازمان توسط ما شکل گرفت که سعید سهیلی نخستین رئیس آن بود و چند سالی در آن جا فعالیت کردیم، بعد هنرمندان کم کم مستقل شدند و برخی در بدنه سینما و گروهی در هنر تئاتر فعالیت خود را حرفه‌ای‌تر ادامه دادند.

هنرمندان، مردمی از دل انقلاب هستند

محمد ملتجی پیش‌کسوت دیگری است که از جمله هنرمندان انقلابی این مسجد است. اگرچه از دوران طلایی اش در مسجد مالک اشتر سال ها گذشته، اما خاطرات به روشنی در ذهنش نقش بسته است و در واگویه آن درنگ نمی کند. می گوید: هنرمندان مردمی از دل انقلاب برخاستند و وارد تئاتر انقلابی شدند. آن ها سعی کردند از خود مردم برای رشد تئاتر انقلاب استفاده کنند.
نام بردن از آن دوران او را به یاد شهدای مسجد مالک اشتر می اندازد، گویی تلی از خاطرات دوباره در ذهنش شکل می گیرد و می گوید: مسجد مالک اشتر دو گروه بزرگ سال و جوان و نوجوان داشت که شهید هنرمند مسعود سهیلی، غلامرضا شکری و محمد فرهادی، عباس اسماعیل زاده و.... در گروه نوجوانان بودند.
ملتجی که از هم محلی های استاد رضا صابری و جواد اردکانی دو هنرمند مشهدی است، می گوید: هیچ مسجدی به اندازه مالک اشتر هنرمند تحویل جامعه نداد، همچنین هیچ مسجدی چه از لحاظ محتوایی و چه از لحاظ فنی تا این حد نگاه عمیق و تخصصی به هنر نداشت.

مرا با سعید سهیلی اشتباه می گرفتند!

حسین انصاری یکی دیگر از هنرمندان مالک اشتری است که زندگی هنری اش از تئاتر در مسجد مالک اشتر شروع شد و با سینما پیوند خورد.
او درباره حال و هوای آن روزها می گوید: آن زمان بچه های مسجد ضرورتی احساس کردند که کارهای هنری مثل تئاتر، نقاشی و...، ورزشی مانند کشتی، پینگ پنگ و همچنین فعالیت های علمی مثل کلاس های سوادآموزی در یک پایگاه کاملا بسیجی را شکل بدهند. مسجد مایک قطب هنری در مشهد بود و ما حتی در حاشیه خیابان نمایشگاه های کتاب نیز برگزار می کردیم.
بسیجی و جوان آن روزها و پیش‌کسوت این روزهای مسجد مالک اشتر، خاطره‌ای از میان یادها و نام‌ها بیرون می کشد و می گوید: من و سعید سهیلی به هم شباهت داشتیم و با هم رفیق صمیمی بودیم. جلساتی با عنوان انجمن مالک اشتر داشتیم که مسئول آن همیشه مرا با او اشتباه می گرفت؛ به من می گفت حسین سهیلی و به او می گفت سعید انصاری! و این باعث خنده و شوخی بین بچه ها و گروه می شد. یک بار هم نمایشی بازی کردیم در دو نقش مخالف هم. همسایه ها که دیدند باور نکردند و می گفتند این نمایش دروغ است! این ها با هم رفیق اند این جا می زنند توی سر و کله هم!

یار به دنبال یار می رود

غلامرضا عارف نژاد اگرچه کمی دیرتر به جمع مالک اشتری ها پیوست اما همیشه همراه این گروه بوده و روابط دوستی اش را سی و چند ساله کرده است. اکنون که در حلقه معرفت دوستان نشسته است، می گوید: از آن جا که همیشه یار دنبال یار می رود، من که از شهرستان بروجرد آمده بودم، خدا مسجد مالک اشتر را سر راهم قرار داد و به اعضای گروه آن پیوستم.
عارف به نخستین تجربه همکاری حرفه‌ای خود اشاره می کند و ادامه می دهد: آن تجربه های نخستین من در سینما هم با همین دوستان مالک اشتری بود که باعث شد در جشنواره وحدت جایزه بهترین بازیگر را کسب کنم و کم کم جای پایم در سینما محکم‌تر شد و دوباره توفیق همکاری با این گروه را داشتم. ما بدون قرارداد یا با مبالغ کمی با دوستانمان کار می کردیم. همین اتحاد در گروه‌ها باعث انسجام ما شد. ما همیشه هوای یکدیگر را داشتیم و داریم.

رفاقت مهم‌تر از کار

محمود ثابت نیا هم از دیگر هنرمندان این جمع انقلابی است. او می گوید: در سال ۶۲ کار با این گروه را شروع کردم و جزو نفرات اولیه در حوزه هنری بودم، این مسجد در همه زمینه ها حرف اول را در مشهد می زد، ما در همه زمینه ها وارد شده بودیم. مثلا در زمینه تئاتر، سرود و... مقام هایی را در جشنواره های مختلف کسب کردیم.
او به رفاقت و صداقت مالک اشتری ها اشاره می کند و ادامه می دهد: چه در مسجد، چه در حوزه هنری، چه تئاتر و چه فیلم سینمایی ما رفاقتی کار می کردیم عنوان و کد بازیگر و کارگردان و... نداشتیم.

مالک اشتر، باب آشنایی با هنر

محمدوثوق آخرین هنرمند با سابقه‌ای است که با او همکلام می شویم تا خانه تکانی دل کند و از روزهای پرشور مسجد مالک اشتر سخن بگوید. می گوید: از سال ۶۲ وارد گروه تئاتر مالک اشتر شدم، فعالیتی را که در آن مسجد آغاز کرده بودم، در حوزه هنری ادامه دادم و بعد چرخ روزگار پایم را به سمت بازیگری در سینما کشاند.
مرور خاطرات قدیمی و شیرین مسجد مالک اشتر، دعای توسل این هفته شان را رنگ و بویی دیگر داد و دلشان را روشن کرد به امید گرد هم آمدنی دوباره در مسجد خاطره ها. اگرچه امروز از آن مسجد به جز دو ستون نشانی نمانده است اما جوانان آن روزها و پدران این روزها، هنوز دغدغه بازسازی اش را دارند. می گویند نهادی هزینه ساخت دوباره اش را نداده است، پیگیری ها انجام شده و قول های مساعدی نیز داده شده است! باید منتظر بود و دید که آیا دوباره دوره طلایی دهه شصت برای مسجد مالک اشتر تکرار خواهد شد یا خیر.

انقلاب به روایت خراسان

تحصن بزرگ علما و دانشگاهیان مشهد

خراسان
تحصن جامعه روحانیت مبارز مشهد

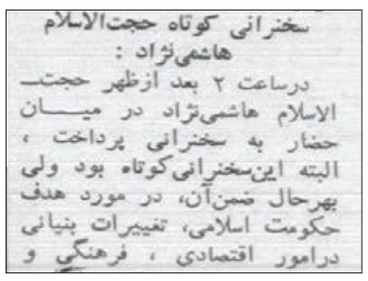

سخنرانی کوتاه حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد:
درساعت ۲ بعد از ظهر حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در میان حضار به سخنرانی پرداخت، البته این سخنرانی کوتاه بود ولی بهرحال ضمن آن، در مورد هدف حکومت اسلامی، تغییرات بنیانی درامور اقتصادی، فرهنگی و

تلگرام جامعه فرهنگیان مشهد بمتحصنین دانشگاه تهران

■ حضرات آیت‌اله العظمی طالقانی ـ آیت‌اله العظمی منتظری، آیت‌اله العظمی صدوقی و دیگر روحانیون مبارز و آگاه و برادران همرزم متحصن.
تحصن آنجنابان بعنوان اعتراض به توطئه‌های امپریالیسم جهانی و مزدوران داخلی آنها درجلوگیری از ورود رهبر شیهنده و نشوه ملت ایران و کشتار بیرحمانه اخیر فریاد اعتراض همه خلق مستضعف ایران است بار
دیگر کمال همبستگی خود را با جامعه روحانیت مترقی که از آغازگران نهضت هستند اعلام میداریم و تا ورود آیت‌اله ـ العظمی خمینی تبعیدی ربنده بانگ تعهد و رسالت، نوای میمون آزادگی و استقلال که رایحه‌ای خوش برگلهای شهادت خواهد وزید درکنار روحانیت مترقی و مبارز متعهد مشهد در موزه‌آستان قدس به تحصن ادامه میدهیم.
جامعه فرهنگیان مشهد وحومه

برخی از انقلابیون قدیمی مشهد معتقدند که اداره شهر، پس از واقعه خونین ۱۰ دی و شهادت جمع زیادی از مردم، از دست رژیم شاه خارج شد و در اختیار مبارزان قرار گرفت. در آن روزها، مشهد یکی از کانون های مهم اقدامات انقلابی بود. مثلث رهبری این شهر، با حضور آیت ا... خامنه ای، مرحوم آیت ا... واعظ طبسی و شهید هاشمی نژاد، کاملا بر امور اشراف داشت. یکی از اقداماتی که برای اعتراض به رژیم و همراهی با انقلاب انجام می‌شد، تحصن بود. به گزارش روزنامه خراسان، یک روز پیش از ورود امام خمینی(ره) به ایران، قشرهای مختلف مردم، به ویژه علما، روحانیون و دانشگاهیان، در دارالزهد مبارکه حرم مطهر تحصن کردند. در این تحصن بزرگ که بازتاب وسیعی در رسانه های آن زمان پیدا کرد، سخنرانی بر عهده شهید هاشمی نژاد بود. این سخنرانی در ساعت ۲ بعد از ظهر انجام شد و پس از آن، آیت ا... العظمی شیرازی نیز، به جمع متحصنین پیوست.

تلگراف جامعه فرهنگیان به متحصنین دانشگاه تهران

فرهنگیان مشهد، یکی از قشرهای پیشگام حضور در انقلاب بودند. اجتماع بزرگ ورزشگاه تختی، با همت آن ها برگزار شد. یکی از اقدامات فرهنگیان مشهد در این ایام، ارتباط مستمر با دیگر شهرها و جریان های انقلابی آن ها بود. روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، خراسان متن تلگراف فرهنگیان خراسان به متحصنین دانشگاه تهران را منتشر کرد. این تلگراف، یکی از ده‌ها اقدامی بود که از سوی فرهنگیان سازمان دهی شد.

دریچه

انقلاب در مشهد به روایت تصویر

عکس ها:
فرهنگسرای انقلاب اسلامی مشهد

یادداشت

جواد چشمه‌نور
تاریخ نگار وقایع پیروزی انقلاب اسلامی

بایسته‌های تدوین تاریخ شفاهی انقلاب در مشهد

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی ایران منشأ رخدادهای بسیار عظیمی بود که حضور مردم در بطن آن بسیار مشهود بود؛ رخدادهایی که اگر در حافظه تاریخ به خوبی ثبت و ضبط نشود، نسل امروز و به ویژه نسل های آینده از جایگاه بسیار ممتاز نقش مشهد در جریان انقلاب غافل خواهند شد و نسل های آینده از وجود چنین یادگاری محروم می مانند. این تاریخ اگر چه در سینه راویان صدیق آن روزها مانده است و بسیاری از راویان آن روزها همچنان در قید حیات هستند اما اگر از این ظرفیت ها غفلت شود شاید مدیون نسل های آینده شویم.
درباره تاریخ شفاهی مشهد هنوز گفته های زیادی در سینه مانده که به رشته تحریر در نیامده و این رویه ای است که درباره مباحث ملی و کلان کشوری هم وجود دارد. غفلت از ظرفیت های تاریخ شفاهی انقلاب در مشهد یکی از پاشنه های آشیل در بررسی تاریخ نگاری انقلاب در این شهر است. در این باره کارهای موازی انجام شده است اما هنوز تشکیلات و موسسه ای واحد برای جمع آوری خاطرات شفاهی انقلاب در این شهر وجود ندارد. سال ها قبل مرکز اسناد ملی، برخی اسناد را تدوین کرد و ثبت تاریخ شفاهی را نیز برعهده گرفت؛ این کار تا سال ۷۰ پیگیری شد اما بعد از مدتی اسناد جمع آوری شده به تهران ارسال شد و متاسفانه کار بدون خروجی باقی ماند، ضمن این که به جز مواردی جسته و گریخته تاریخ قابل توجهی هم به رشته تحریر در نیامد. بعد از آن آستان قدس رضوی شروع به کار کرد و تدوین هایی در این باره صورت گرفت. من هم در بنیاد پژوهش ها گفت و گوهایی انجام دادم و بخشی از تاریخ انقلاب را بیان کردم. بعد از آن نیز جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اقداماتی در این راه آغاز کرد. در این باره حدود یکی دو سال است که تعاملاتی با این نهاد داشته و خاطراتی نیز بیان کرده ام. برخی اوقات هم جسته و گریخته روزنامه ها پای کار می آیند و مطالبی را چاپ می کنند اما فکر می کنم هنوز تا تدوین تمام تاریخ شفاهی مشهد راه درازی در پیش است و برای این مهم نیازمند اتاق فکر برای تعیین سیاست گذاری کلان هستیم.
اما چرا لازم است حساسیت ها درباره ثبت و ضبط تاریخ شفاهی انقلاب در مشهد زیاد باشد و این کار با دقتی مثال زدنی انجام شود؟ مشهد در واقع یکی از پایگاه های انقلاب اسلامی است زیرا بیشتر حرکت های سیاسی و انقلابی یا از مشهد شروع می شود یا مشهد در ابعاد مختلف تئوریک و مباحث انقلابی، یک پای ثابت انقلاب بوده است، از این رو به رخدادهای مشهد در جریان انقلاب نه به عنوان یک تاریخ شهری و استانی بلکه باید به عنوان جریانی ملی نگاه کنیم.
اما انقلاب در مشهد چه ویژگی هایی داشت که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد؟ وجود حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد که از این شهر به عنوان یک قطب شیعی در جهان سخن به میان می آید، یکی از مهم‌ترین دلایل است. در مشهد حوزه های علمیه زیادی وجود دارد که برخی از آن حتی هم سطح یا فراتر از حوزه های علمیه قم بوده است و برخی از این حوزه ها در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی کانون مباحث انقلابی و علمی بود. در مشهد همچنین علمای بنام و مطرحی حضور داشتند که در مسائل انقلاب مشهد بسیار تأثیر گذار بوده اند. علمای روحانی و مبارزی نیز همانند رهبر معظم انقلاب، آیت ا... طبسی و شهید هاشمی نژاد در جریان اوج انقلاب سه ضلع مثلث مهمی را در شکل دهی جریانات انقلاب شکل دادند.
در کنار این موارد نمی توان از وجود محافل مذهبی و فرهنگی در مشهد غافل شد. انجمن پیروان قرآن که توسط مرحوم عابدزاده ایجاد شده بود، اگر چه در ابتدا صرفا در زمینه مباحث دینی و فقهی فعالیت داشت اما کم کم و بعد از ورود شهید نواب صفوی به مشهد، حرکت های این انجمن هم جدی‌تر و وارد مرحله مبارزه انقلابی شد. البته مرحوم عابدزاده، محمدتقی شریعتی و شیخ محمود حلبی پیشتر و در جریان نهضت ملی شدن نفت و روی کار آمدن دکتر مصدق نیز در مشهد ایفای نقش کرده بودند. در این میان از نقش کانون های نشر حقایق اسلامی مرحوم محمدتقی شریعتی و فرزندش دکتر علی شریعتی نیز نباید غافل شد. خراسان و مشهد بعدها مدیون دو تفکر دکتر شریعتی و شهید مطهری بود. این دو بزرگوار حرکتی با تفکر انقلابی ایجاد کردند که بعدها به حسینیه ارشاد منتقل و از آن ها به عنوان یکی از علمداران انقلاب تئوریک در کشور یاد شد.
بنابراین اگر سرنوشت تاریخ شفاهی انقلاب به خوبی تدوین شود، خروجی این کار در سرنوشت نسل جوان بسیار موثر خواهد بود. نسل جوان فعلی متأسفانه کمتر با مطالعه قرابت دارد، بنابراین با تدوین تاریخ شفاهی بهتر از گذشته می توان درباره انقلاب روشنگری انجام داد تا نسل جوان بداند انقلاب اسلامی با چه خون دلی به دست آمده است.